

تغییر و تطور پژوهش‌ها و قوانین مرتبط با مددکاری اجتماعی

اسماعیل عالی زاد* ، محمد زاهدی اصل** ، مرضیه قرائت***

الهام محمدی**** ، حمیده عادلان راسی*****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

تداوم، رشد و توسعه هر علمی وابسته به پژوهش‌هایی است که در حیطه آن علم به انجام می‌رسد. ایستایی در پژوهش‌های صورت گرفته در یک رشته علمی، زمینه‌ساز رکود در آن حوزه معرفتی می‌شود و پویایی در تحقیقات، ضمانت بخش توسعه آن علم و رشد عالمانش می‌گردد. از این رو، برای کسب آگاهی از این که جایگاه یک رشته علمی در شرایط کنونی چگونه است، چه فرایندی را تاکنون طی کرده و چه چشم‌اندازی را پیش رو دارد، نیاز به انجام یک تحقیق درون‌کاوانه دارد. انجام چنین پژوهشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ برای تحقق این امر، مجموع تحقیقات انجام شده در یک عرصه علمی، خود به‌مثابه موضوع یا قلمرویی برای یک پژوهش مستقل نقاد شناخته شود. بر پایه چنین پژوهشی، می‌توان به نقاط ضعف و قوت یک رشته علمی (در بُعد پژوهشی و حتی آموزشی) پی برد؛ می‌توان محدودیت‌های آن را شناسایی کرد و فرصت‌های پیش‌رویش را بازشناخت. ابتداء تحقیق حاضر نیز بر همین قاعده است؛ یعنی تلاش شده است که پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده در رشته مددکاری اجتماعی ایران در طی پنج دهه از عمر پژوهش‌مدار این رشته مورد بررسی نقادانه قرار گیرد. اما در اجرای چنین تحقیقی تنها به این ملاحظات بسنده نشده است، بلکه تلاش مضاعفی صورت پذیرفته است تا ارتباط موضوعی قوانین مصوب با این رشته علمی در چارچوب یک رابطه نهادی و اکاوی شود. برای بررسی هر دو حیطه مورد بررسی، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. در کاربست این روش، ۶۴۵ پژوهش دانشگاهی و ۱۶۹ سند قانونی به‌عنوان منابع معتبر گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یافته‌های مرتبط با دو قلمرو مورد بررسی (تحقیقات دانشگاهی و قوانین مصوب) به‌صورت مجزا و توأمان عرضه شده است. از جمله یافته‌های این تحقیق می‌توان به ارتباط میان نهاد علم و نهاد قانون‌گذاری اشاره کرد که در طی دوران مورد بررسی، همگرایی‌ها و واگرایی‌هایی را تجربه کرده است.

aalizad@atu.ac.ir

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

zahediasl@atu.ac.ir

** استاد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران.

gharaat@gmail.com

*** استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران.

e.mohammadi1986@gmail.com

**** استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران.

addelyan@atu.ac.ir

***** استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران.

واژه‌های کلیدی: مددکاری اجتماعی، پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، قوانین مصوب، زمینه اجتماعی

بیان مسئله

یکی از قدیمی‌ترین رشته‌های علوم انسانی که در نظام آموزش عالی ایران پدید آمد رشته مددکاری اجتماعی^۱ است که اکنون قدمت آن به بیش از شصت سال می‌رسد. در این دوره نسبتاً طولانی از فعالیت مستمر این رشته که یکی از کاربردی‌ترین رشته‌های علوم اجتماعی در اقصی نقاط دنیا^۲ محسوب می‌شود، فراز و فرودهای متنوع و گوناگونی در شیوه‌های آموزشی، تحقیقی و اجرایی آن صورت پذیرفته است. اکنون پس از گذشت سالیان سال از فعالیت رسمی این رشته، زمان آن فرا رسیده است که فرایند تغییر در تحقیقات آن در چارچوب یک تحقیق علمی، مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد. به‌ویژه که مددکاری اجتماعی دارای اهدافی مانند افزایش عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی افراد، گروه‌ها و اجتماعات و توانمند کردن آنهاست.

از سوی دیگر، پر واضح است که فعالیت‌های این رشته و پژوهش‌های آن بی‌ارتباط با قوانین و مقررات حاکم بر کشور نیست، لذا لازم و ضروری است که به تعیین‌کننده‌های حقوقی این حرفه توجه داشت. قانون در اقدامات مددکاران اجتماعی اهمیت زیادی دارد. قانون با کارکردهای مختلفی که در جامعه دارد شامل کنترل اجتماعی، حل دعاوی، تغییر اجتماعی و ارائه راه‌حل برای مسائل اجتماعی، از یک‌سو می‌تواند از قدرت و وظایف مددکاری اجتماعی حمایت کند و از سوی دیگر، اگر از تناقض درونی و یا میان‌نهادی برخوردار باشد می‌تواند مانعی بر سر راه وظایف و خدمات این حرفه باشد. به نظر می‌رسد که با توجه به پیچیدگی این رابطه حقوقی (رابطه میان قانون و حرفه مددکاری اجتماعی)، شناخت وضعیت موجود قوانین کشور از نظر کیفیت توجه به اجزای مهم مددکاری

1. social work

۲- قدمت این رشته در دانشگاه‌های کشوری همچون انگلستان به بیش از یک‌صد و بیست سال می‌رسد.

اجتماعی (مددجو، مشکل یا نیاز و مداخله یا خدمات) می‌تواند به فراهم کردن توصیف رابطه مذکور و بازنمایی حرفه مددکاری اجتماعی در قوانین و مقررات کمک کند. چنین ملاحظاتی ما را بر آن داشت که از دو منظر تحقیق حاضر را دنبال کنیم. نخست، به تطور پژوهش‌های مددکاری اجتماعی که در داخل کشور به انجام رسیده‌اند پرداخته شده است و سپس، موضوعیت چنین پژوهش‌هایی در بستر قوانین و مقررات وضع شده در اسناد بالادستی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین در دو بخش مجزا و در عین حال مرتبط، سیر تحولی و تغییرات مطالعات و تحقیقات مددکاری اجتماعی ایران و نقد شیوه‌ها و دستاوردهای آنها مورد بررسی واقع شد و همچنین، وضعیت بازنمایی مددکاری اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن در قوانین مرتبط با گروه‌های هدف آسیب‌دیده و در معرض آسیب مورد مطالعه قرار گرفت.

اهداف تحقیق

با توجه به توضیحات بالا، اهداف تحقیق نیز در دو بخش قابل تعریف است.

- هدف نخست، شناخت سیر تغییرات ایجادشده در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی دانشگاهی است. دستیابی به چنین شناختی، نه فقط اجتماع علمی را از گذشته و اکنون این رشته آگاه می‌سازد، بلکه زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را برای بهبود اقدامات پژوهشی و ارائه چشم‌اندازی بهتر برای این رشته فراهم می‌سازد.
- هدف دوم، شناخت سوبه‌های حقوقی و قانونی داخلی مرتبط با حیطه حرفه و رشته مددکاری اجتماعی است که به نحوی زمینه‌ها، شرایط و اولویت‌های انجام تحقیق در این رشته را تعیین می‌کنند و چشم‌اندازهای آن را روشن می‌سازند.

پرسش‌های تحقیق

با توجه به اهداف بیان‌شده، پرسش‌های تحقیق به صورت بسط یافته عبارت‌اند از:

- آیا پژوهش‌های رشته مددکاری اجتماعی در ایران، در طول زمان دستخوش تغییر شده‌اند؟
- با تغییرات اجتماعی جاری در جامعه ایران از یک‌سو، و با توجه به کاربردی بودن این رشته و ارتباط مستقیم آن با گروه‌های اجتماعی و کنشگران جامعه از سوی دیگر، آیا در موقعیت کنونی امکان بازاندیشی در موضوعات و نحوه انجام پژوهش‌ها فراهم است؟
- جایگاه مددکاری اجتماعی در قوانین مرتبط با گروه‌های هدف آسیب‌پذیر و قوانین بالادستی چگونه است؟
- توجه به موضوعات مددکاری اجتماعی در قوانین مرتبط با گروه‌های هدف این حرفه، در گذر زمان چه تغییراتی را تجربه کرده است؟

مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق از یکسو ناظر بر مسائل علمی رشته مددکاری اجتماعی است و از سوی دیگر به نسبت این مسائل با عرصه حقوقی جامعه بازمی‌گردد. اگر وظیفه علوم اجتماعی را تحلیل و تفسیر واقعیت‌ها بدانیم، آنگاه تحقیق اجتماعی «اگر می‌خواهد از خصوصیت علمی بودن برخوردار باشد، باید عرصه جستجوی حقیقت باشد» (وبر، ۱۳۹۷: ۱۰۰ و ۹۸). اجتماع علمی نیز از پژوهشگرانش انتظار دارد که وظیفه خویش را که همانا شناخت واقعیت است با دقت به انجام رسانند. در چنین شناختی، باید به گستردگی، تاریخمندی و تغییرپذیری واقعیت‌های اجتماعی توجه داشت. برای دستیابی به شناختی درست لازم است که محقق خود را در متن اجتماعی واقعیت قرار دهد و نسبت به شرایط و موقعیت‌های کنشگران اجتماعی آگاه باشد (میلز، ۱۳۸۱: ۲۸). برای این کار ضروری است که مسئله تحقیق توضیح داده شود؛ مفاهیم تعریف یا بازتعریف شوند؛ مبانی نظری و روش تحقیق با شفافیت بیان شوند؛ مراحل گردآوری داده‌ها و حیطه گردآوری مشخص شود، تکنیک‌های تجزیه و تحلیل به درستی به کار گرفته شوند (بلیکی، ۱۳۹۵)؛ به دلیل ماهیت علم، به قطعی نبودن یافته‌ها و ناپایداری موقعیت‌ها و دستاوردها اشاره شود و میدان برای نقد گشوده باشد.

مددکاری اجتماعی در طول تاریخ حرفه‌ای خود همواره رویکردها و پارادایم‌های مختلفی را برای درک ماهیت مسائل و مشکلات اجتماعی و پاسخ به آنها تجربه کرده است. بیشتر تعاریفی که از مددکاری اجتماعی وجود دارد هم به نوعی مؤید تلاش این حرفه برای حل مشکلاتی است که بر رفاه مردم تأثیر می‌گذارد. در این ارتباط پرلمن و دیگر نویسندگان، مددکاری اجتماعی را روشی برای حل مشکلات می‌دانند. مددکاران اجتماعی در ابتدا در برخورد با مسائل بر روی فرد و مشکل متمرکز بودند ولی با تغییراتی که در شرایط اجتماعی رخ داد و به‌ویژه با ظهور نظریه عمومی سیستم‌ها توسط برتالانفی^۱ (۱۹۶۷) در حوزه زیست‌شناسی و ورود آن به علوم اجتماعی با استفاده صاحب‌نظرانی هم چون لاکمن^۲ (۱۹۸۶)، لومان^۳ (۱۹۹۳) و نهایتاً گرگن^۴ (۱۹۹۴)، مددکاران اجتماعی نیز از آن برای مواجهه با مسائل مراجعان خود بهره بردند. بر این اساس، فرد به‌عنوان عضوی از سیستم‌های بزرگ‌تر، در سطوح مختلف در ارتباط با محیط اجتماعی خود مورد بررسی قرار می‌گیرد و شرایط و تغییرات اجتماعی-اقتصادی نیز در شناخت پدیده و همچنین در چگونگی مداخله لحاظ می‌گردد (Riquelme & Mayor, 2016).

تغییرات اجتماعی که در جوامع به‌صورت تدریجی و بطئی صورت می‌گیرد، همه ابعاد حیات و زیست انسان را در بر گرفته و با مسئله اجتماعی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی پیوند برقرار می‌سازد. مسئله اجتماعی مولد تغییرات اجتماعی است که در هر مقطع از زمان، ویژگی خاص خود را دارا می‌باشد. به اعتقاد کورنبلوم^۵ و همکاران (۲۰۱۱) مسئله اجتماعی وضعیتی است که کیفیت زندگی انسان‌ها را کاهش داده و بخشی از جامعه آن را برای اعضای جامعه مضر دانسته و نیازمند درمان و ارائه راهکار برای حل آن بدانند.

-
1. Bertalanffy
 2. Luckman
 3. Luhmann
 4. Gergen
 5. Kornblum

لاور و لاور^۱ (۲۰۰۶) نیز، مسائل اجتماعی را وضعیت‌ها و شرایطی در نظر می‌گیرند که راه‌حلی بیرون از افراد دارند. از این رو، مسائل مبتلابه افراد همواره در ارتباط مستقیم با شرایط اجتماعی است که زیست و حیات اجتماعی آنها را در برمی‌گیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸). سیف‌اللهی نیز، مسئله اجتماعی را امور و پدیده‌هایی می‌داند که موجب تنش و ناسازگاری‌های اجتماعی شده و به نحوی جامعه و یا زندگی افراد جامعه را مورد تهدید و تضعیف قرار می‌دهند، مانند بی‌سوادی، بیکاری، تورم اقتصادی، سرقت، طلاق، سرپرست خانوار شدن زنان، مهاجرت، بینوایی، فقر، اعتیاد و ... (عیوضی، ۱۳۹۷).

در حرفه مددکاری اجتماعی مسئله به‌عنوان واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره افراد و شبکه ارتباطی آنها در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان خود را نمایان می‌سازد، یعنی همان‌جایی که مددکار اجتماعی به‌عنوان فرد حرفه‌ای مداخله می‌نماید. بنابراین، زندگی حرفه‌ای مددکاران اجتماعی با مسائل اجتماعی و الگوهای حل مسئله عجین شده است (کامپتون و گالاوی، ۱۳۸۶). از این رو، ضرورت دارد که مددکاران اجتماعی بیش‌ازپیش قدم در راه انجام و توسعه تحقیقات علمی بگذارند. همان‌گونه که مری ریچموند از ابتدای فعالیت خود در این حرفه، پژوهش را ابزاری مفید برای توسعه حرفه مددکاری اجتماعی می‌دانست و آن را به‌عنوان ابزاری منحصربه‌فرد برای مداخلات پیشنهاد داد که هم شناخت و دانش ارزشمندی را برای مددکاری اجتماعی به‌عنوان یک حرفه فراهم می‌آورد و هم امکانی برای تغییر [از سطح خرد تا کلان] فراهم می‌سازد (Bueno, 2010).

مجموع موارد مطرح‌شده، مؤلفه‌هایی هستند که به ارزش‌های علم و کفایت تحقیق علمی بازمی‌گردند. اما به‌واسطه ارتباط نهاد علم با سایر نهادهای اجتماعی، در این تحقیق به رابطه میان رشته و حرفه مددکاری اجتماعی و عرصه قانونی جامعه و شیوه بازنمایی مددکاری اجتماعی و موضوعات آن در قوانین نیز پرداخته شده است. برای این کار لازم است که نخست به تعریف مددکاری اجتماعی و قلمرو فعالیت آن پرداخت. مددکاری اجتماعی بر اساس تعریف فدراسیون بین‌المللی مددکاری اجتماعی (۲۰۱۴) دارای رسالت

تغییر اجتماعی، توانمندسازی و بهبود بهزیستی جامعه با تکیه بر ارزش‌های حقوق انسانی و عدالت اجتماعی است.

زاهدی اصل مددکاری اجتماعی را به‌عنوان حرفه‌ای مبتنی بر استعدادها، مهارت‌ها و دانش‌های خاص تعریف می‌کند که شرایط مادی و معنوی را برای افراد و اقشار نیازمند جامعه با برانگیختن آنها در جهت شناخت و رفع مشکل خود فراهم می‌کند (زاهدی اصل، ۱۳۹۷: ۳۴). همچنین انجمن مددکاری اجتماعی استرالیا مددکاری اجتماعی را حرفه‌ای می‌داند که متعهد به پیگیری عدالت اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و رشد دادن تمام پتانسیل‌های موجود در هر یک از افراد، گروه‌ها و اجتماعات است. مددکاری اجتماعی در سراسر دنیا منجمله ایران دارای مأموریت توانمندسازی و تحقق عدالت اجتماعی برای افراد، گروه‌ها و اجتماعات است.

بر پایه آنچه ذکر شد، از جمله مهم‌ترین اقدامات حرفه مددکاری اجتماعی، اتخاذ رویکردی است که توانمندسازی افراد، گروه‌ها و اجتماعات انسانی را به دنبال داشته باشد. گوتیرز^۱ و همکارانش در توضیحشان از این رویکرد معتقدند افرادی که صدایی ندارند و جزء گروه‌های محروم و حاشیه‌ای جامعه هستند، باید به قدرت به معانی مثبت آن دست یابند که عبارت‌اند از: (۱) توانایی تأثیر بر زندگی خود/ فرد؛ (۲) ابراز خود ارزشمندی؛ (۳) توانایی برای کار با دیگران برای کنترل جنبه‌های زندگی عمومی و (۴) دسترسی به مکانیزم‌های تصمیم‌گیری عمومی. بر این اساس، در اقدام توانمندسازی در سه سطح به قدرت توجه می‌شود: سطح فردی (احساس و درک اینکه فرد توانایی تأثیرگذاری بر مشکلاتش و حل آنها را دارد)، سطح بین فردی (تجربه با دیگران که می‌تواند حل مشکل را تسهیل کند) و سطح محیطی (مؤسسات و نهادهای جامعه‌ای که می‌تواند تلاش‌های خودیاری را تسهیل یا عقیم کنند) (Gutierrez, Parsons & Cox, 1998). در همه این موارد، با میدانی سروکار داریم که پای حقوق و قوانین بر روی آن گشوده است.

1. Gutierrez

یک مدل مفید برای مفهوم‌پردازی انواع مختلف رابطه میان قانون و مددکاری اجتماعی، مدل سه ضلعی عقلانیت، اخلاقیات و حقوق بشر است. در مرکز این مدل، دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها قرار دارد که اقدامات مددکاری اجتماعی را هدایت می‌کند. بر این اساس به سه الگوی فکر کردن و تصمیم‌گیری در رابطه مددکاران با قانون می‌توان اشاره کرد. در یک ضلع این مدل، عقلانیت تکنیکی وجود دارد که بر اساس آن دانش حقوقی یک نیروی حرکت دهنده اقدام مددکاری اجتماعی می‌تواند باشد. در ضلع دوم، اقدام اخلاقی فعالیت مددکار اجتماعی را هدایت می‌کند، بنابراین، قواعد قانونی در کنار قواعد اخلاقی قرار داده می‌شوند. در ضلع دیگر، تأکید بر ارزش‌های انسانی است.

خدمت‌گیرندگان هدایت‌کنندگان فعالیت حرفه‌ای هستند و از همان نقطه شروع، کار اصلی مددکاری اجتماعی، ارتقای عدالت اجتماعی و حقوق انسانی است. دانش در مورد قانون می‌تواند به صورت وسیع‌تری تعبیر شود که در آن فقط وظایف و اختیارات هدایت‌کننده مداخله مددکاری اجتماعی نیست، بلکه در این ضلع به چالش کشیدن نابرابری، بی‌عدالتی و حفظ منابع و ساخت ظرفیت جمعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (Braye & Preston-Shoot, 2006).

روش تحقیق

برای دستیابی به اهداف این تحقیق، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نوع کمی تحلیل محتوا، فنی پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌دار و کمی محتوای متون نوشتاری است (هولستی، ۱۳۹۸ و گلشنی و قائدی، ۱۳۹۵). در این تحقیق، دو قلمرو مورد توجه واقع شده است. قلمرو اول دربردارنده اسناد مکتوب فعالیت‌ها و تولیدات پژوهشی رشته مددکاری اجتماعی در جامعه دانشگاهی ایران است که شامل سه دانشگاه متولی این رشته در مقطع تحصیلات تکمیلی می‌شود (دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه توانبخشی و سلامت اجتماعی، دانشگاه یزد). شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع تمام شماری است و دوره زمانی سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ را پوشش می‌دهد. قلمرو دوم، شامل تمامی اسناد قانونی موجود

تغییر و تطور پژوهش‌ها و قوانین مرتبط با...، عالی زاد و همکاران | ۱۶۱

در سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است که در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۸ منتشر شده‌اند.

در حیطه اول، محورها و زیرمحورهای زمان تحقیق، موضوع، عنوان، بینش نظری، نوع روش و استراتژی تحقیق، جمعیت هدف و نمونه، تکنیک جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و پیشنهادها مورد مذاقه و تحلیل و بررسی قرار گرفت. تعداد کل تحقیقات شناسایی شده در این بخش، ۶۶۷ مورد (اعم از پایان‌نامه‌های ارشد، رساله‌های دکتری و مقالات علمی پژوهشی) است که از این تعداد ۶۴۵ مورد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در حیطه دوم، با کلیدواژه‌های مرتبط با گروه‌های هدف آسیب‌پذیر و در معرض آسیب مانند زنان، زنان سرپرست خانوار، کودکان، کودکان کار، معلولیت، معلول، اعتیاد، معتاد، مواد مخدر، سوءمصرف، سالمند، پیر، کهنسال، نوجوان، جوانان، مجرم، زندانی، بزهکاری، خانواده، بی‌سرپرست، بد سرپرست، ایدز، دختران آسیب‌دیده، دختران فراری، فرار از منزل و ... در سامانه مذکور جستجو شد و ۴۷۰ سند قانونی به دست آمد. پس از مرحله غربالگری (بر پایه ارتباط با حرفه مددکاری اجتماعی)، ۱۸۹ مورد از این اسناد وارد فرایند تجزیه و تحلیل شد. ابزار گردآوری داده‌ها، چک لیستی حاوی نام سند، سال تصویب سند، مرجع تصویب سند، نوع گروه/گروه‌های هدف مددکاری موجود در سند، وجود یا عدم وجود اشاره به استفاده از مددکاری اجتماعی یا مددکاران اجتماعی، انواع نیازهای روانی-اجتماعی مرتبط با گروه‌ها هدف، انواع خدمات روانی-اجتماعی در سند بود این چک لیست قبل از شروع جمع‌آوری داده‌ها مورد تأیید دو پژوهشگر دیگر قرار گرفت.

در مجموع این تحقیق، تحقیقی کمی، عینیت‌گرا و توصیفی است، بنابراین، سنجش اعتبار آن از نوع اعتبار محتوا و ظاهری است و سنجش پایایی آن مبتنی بر امر تکرارپذیری شواهد است.

یافته‌های تحقیق

الف) تحقیقات دانشگاهی

در میان تحقیقات دانشگاهی رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تقریباً ۶۰ درصد، دانشگاه توانبخشی و سلامت اجتماعی ۳۲ درصد و دانشگاه یزد ۸ درصد پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.^۱ دامنه زمانی تولید پژوهش‌های مورد مطالعه از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ است که به واسطه رشد آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و تشکیل گروه‌های جدید آموزشی، بیشترین تحقیقات در دو دهه اخیر به انجام رسیده‌اند. بدین ترتیب که ۵۸.۹ درصد آنها در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ و ۳۳.۵ درصد در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ و مابقی در دو دهه ۵۰ و ۶۰ به انجام رسیده‌اند.

در میان پژوهش‌های به اتمام رسیده، ۵۷۰ مورد از کل تحقیقات مورد بررسی پایان‌نامه کارشناسی ارشد بودند که این تعداد تقریباً ۸۸.۵ درصد از حجم کل را تشکیل می‌دهند. رساله‌های دکتری ۴.۵ درصد و پژوهش‌ها و مقالات استادان حدود ۷ درصد از اسناد مورد نظر را شامل شده‌اند. از مجموع پژوهش‌های تحت بررسی، ۸۷.۲ درصد در رشته مددکاری اجتماعی و ۱۲.۸ درصد در رشته مدیریت خدمات اجتماعی انجام شده است.

داده‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های مورد بررسی در ۱۰ قلمرو کلان موضوعی متمرکز شده‌اند (جدول شماره ۱). بیشتر تحقیقات به ترتیب در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی (۳۱.۰۴ درصد)، مسائل خانواده و زنان (۱۴.۹۳ درصد)، بهداشت و سلامت عمومی (۱۱.۹۱ درصد)، سلامت اجتماعی (۹.۰۶ درصد) و مسائل شغلی و حرفه‌ای (۷.۳۸ درصد) انجام شده‌اند.

۱- شایان ذکر است که فعالیت رشته مددکاری اجتماعی در دانشگاه توانبخشی و سلامت اجتماعی به اوایل دهه هفتاد و در دانشگاه یزد به اوایل دهه نود خورشیدی بازمی‌گردد.

جدول ۱- فراوانی کل بر اساس قلمرو موضوعی

درصد	فراوانی	قلمرو موضوعی
۳۱.۰۴	۱۸۵	آسیب‌های اجتماعی
۱۴.۹۳	۸۹	مسائل خانواده و زنان
۱۱.۹۱	۷۱	بهداشت و سلامت عمومی
۹.۰۶	۵۴	سلامت اجتماعی
۷.۳۸	۴۴	مسائل شغلی و حرفه‌ای
۵.۷۰	۳۴	توانبخشی و توانمندسازی
۳.۵۲	۲۱	مسائل سازمان‌ها
۲.۳۴	۱۴	سلامت روان
۲.۰۱	۱۲	مسائل سالمندی
۲.۰۱	۱۲	حمایت اجتماعی
۱۰.۱۰	۶۰	سایر
۱۰۰	۵۹۶	جمع

به لحاظ ترکیب جنسی، بیش از ۶۰ درصد پژوهش‌ها به مطالعه هر دو جنسیت زن و مرد پرداخته‌اند. این در حالی است که نزدیک به ۴۰ درصد از پژوهش‌ها به مطالعه زنان اختصاص یافته است و تنها کمتر از ۵ درصد از مطالعات به‌طور خاص درباره مردان است. به لحاظ ترکیب گروه‌های هدف، زنان، هدف مطالعه ۱۵ درصد از پژوهش‌ها مورد مطالعه حاضر بوده‌اند و کارکنان (۸.۷ درصد)، کودک و نوجوانان (۸.۲ درصد) و دانشجویان (۵.۷ درصد) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ضمن آنکه، اطلاعات مربوط به گروه هدف ۳۸ مورد از پژوهش‌های مورد مطالعه موجود نبوده است.

پژوهش‌های مورد بررسی در ۲۹ استان کشور انجام شده‌اند که در این میان، نزدیک به ۴۸ درصد این تحقیقات در استان تهران به انجام رسیده است. پس از آن به ترتیب خراسان رضوی (۳.۹ درصد) و استان البرز (۲.۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ضمن آنکه

اطلاعات مربوط به موقعیت انجام پژوهش در بیش از ۲۰ درصد پژوهش‌های مورد بررسی گزارش نشده است.

داده‌ها نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های کمی در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت خدمات اجتماعی در طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ غالب است. به عبارتی دیگر، ۷۹.۸ درصد پژوهش‌ها به صورت کمی انجام شده‌اند. این در حالی است که ۱۶.۴ درصد از پژوهشگران این رشته از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند و تنها ۱.۶ درصد از آنان از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) در پژوهش خود بهره برده‌اند. روش ترکیبی از دهه ۹۰ در بین مطالعات با اقبال روبرو شده و به غنای این پژوهش‌ها افزوده است. توجه به این جنبه از ملاحظات روشی زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که دریاپیم تا پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی استفاده از روش‌های کمی در تولیدات علمی منتشرشده در نشریات مددکاری اجتماعی غلبه داشته است. ولی، از سال ۲۰۰۰ به بعد کاربست روش‌های کیفی و همچنین تلفیق هر دو روش با اقبال مواجه شده و به مرور پژوهش‌های کیفی با شیب تندتری از تحقیقات کمی پیشی گرفته‌اند.^۱

داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد پژوهش‌های مورد بررسی به روش پیمایش انجام شده‌اند و نزدیک به ۱۲ درصد از آنان نیز از متد شبه آزمایش استفاده کرده‌اند. سایر متدها مورد استفاده شامل نظریه میدانی (۴ درصد)، پدیدارشناسی (۳.۱ درصد)، روش ترکیبی (۱.۷ درصد)، تحلیل محتوا (۱.۴ درصد)، تحلیل مضمون (۱.۲ درصد)، مرور سیستماتیک (۱.۱ درصد)، مورد پژوهی (۰.۵ درصد)، روش دلفی (۰.۵ درصد)، تحلیل اسنادی (۰.۲ درصد)، روش مردم‌نگاری (۰.۲ درصد) و گروه‌های متمرکز (۰.۲ درصد) می‌باشند. ضمن آنکه اطلاعات مربوط به روش مورد استفاده ۱۳.۳ درصد از پژوهش‌ها مشخص نبود.

۱- این یافته از بخش مطالعه تحقیقات خارجی همین پژوهش به دست آمده است که نتایج آن در مقاله‌ای مجزا منتشر خواهد شد.

تغییر و تطور پژوهش‌ها و قوانین مرتبط با...، عالی زاد و همکاران | ۱۶۵

همسو با تفوق روش پیمایش، برای گردآوری داده‌ها بیشتر از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. تکنیک‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته (۱۶.۶ درصد)، جستجوی اسنادی و کتابخانه‌ای (۳.۳ درصد)، مشاهده (۱.۹ درصد)، جستجوی اینترنتی (۰.۶ درصد) و بحث گروهی (۰.۱ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که تعداد بسیار اندکی از پژوهش‌ها از بیش از یک تکنیک برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده‌اند.

نزدیک به ۴۹ درصد از تحقیقات مورد بررسی از مدل نظری پیشین استفاده کرده‌اند و تنها ۴.۳ درصد از آنها اقدام به تدوین مدل نظری کرده‌اند. در عین حال، اطلاعات مربوط به توضیح در باب چگونگی طراحی و تدوین مدل نظری در ۴۶.۸ درصد از پژوهش‌ها موجود نیست. در همین راستا، محققان رشته مددکاری اجتماعی در پژوهش‌های خود از نظریه‌های جامعه‌شناختی (۲۱.۴ درصد)، مددکاری اجتماعی (۵.۴ درصد)، روان‌شناختی (۵.۱ درصد) و ترکیبی (۱۵ درصد) بهره برده‌اند. این در حالی است که برای (۵۳.۲ درصد) از این تحقیقات نمی‌توان ریشه‌های نظری قابل اتکایی یافت. این نکته زمانی اهمیتش آشکار می‌شود که دریابیم که ۷۹.۱ درصد از این تحقیقات در چارچوب استراتژی قیاسی به انجام رسیده‌اند.

در ادامه، به تغییرات صورت گرفته در قلمرو موضوعی و گروه‌های هدف تحقیقات مورد بررسی پرداخته می‌شود. داده‌های موجود نشان می‌دهند که در دو دهه اخیر (دهه‌های ۸۰ و ۹۰)، توجه به انواع آسیب‌های اجتماعی در پژوهش‌های علمی مددکاری اجتماعی روند افزایشی داشته است. در کنار قلمرو آسیب‌های اجتماعی، موضوعات چون برنامه تنظیم خانواده و چگونگی آگاهی، پذیرش و اجرای آن توسط خانواده‌ها، رضایت شغلی، مباحث مرتبط با کیفیت زندگی، سلامت اجتماعی و سلامت روان از دیگر موضوعاتی است که به مرور زمان مورد توجه محققان قرار گرفته است. با گذر زمان، توجه به رویکرد توانمندسازی و موضوعات مرتبط با آن فزونی می‌گیرد، این مسائل از نظر میزان فراوانی در تعداد پژوهش‌ها در مرتبه بعد از آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند. در دهه ۹۰ شاهد رشد

عددی تحقیقات با موضوعاتی چون آموزش حرفه‌ای، سالمندی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی هم هستیم. در همین راستا، گروه‌های هدف پژوهش‌های علمی نیز تغییرات مهمی را از سر گذرانده‌اند. از دهه ۵۰ تاکنون، بیماران چه از بعد جسمی و چه بعد روانی، زندانیان و افراد توانخواه همواره موضوعیت داشته‌اند. مسائل مبتلابه سازمان‌های خدمات اجتماعی از دهه ۷۰ مورد توجه واقع شد و در دو دهه ۸۰ و ۹۰ پرداختن به گروه‌هایی چون زنان سرپرست خانوار، مهاجرین، افراد بی‌خانمان، سالمندان، کودکان کار و خیابان در کانون توجه محققان قرار گرفت.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در طی پنج دهه از عمر انجام تحقیقات در رشته مددکاری اجتماعی، تغییراتی در قلمرو موضوعی و سازوکارهای روشی صورت گرفته است. برخی از این تغییرات ناشی از تحولات دانشی است که معمولاً در بیرون از جامعه ما رخ داده و سپس دستاوردهای آن به درون جامعه ما راه یافته است و برخی دیگر، ناشی از اقتضائات اجتماعی زمانه خود بوده‌اند. برای مثال، در دهه ۸۰ هجری شمسی با توجه به شرایط نابسامان اقتصادی، ضریب جینی طبق آمارهای بانک مرکزی افزایش یافته و این به معنای توزیع ناعادلانه درآمدهای کشور و عمیق‌تر شدن شکاف غنی و فقیر بود.

با اجرایی شدن هدفمندی یارانه‌ها نیز، اثر رهاسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای و تورم ناشی از آن به معنای انتقال بار تورمی چنین سیاستی به خانوارهای کم‌درآمد و خنثی‌سازی اثر یارانه نقدی شد (نبوی و امینی، ۱۳۸۹). متعاقب آن، در این دهه آسیب‌های اجتماعی از جمله فقر، اعتیاد، روسپی‌گری، فرار دختران از خانه، خشونت‌های اجتماعی و خانگی و ... افزایش یافته و مورد توجه جامعه‌شناسان و متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی و مددکاران اجتماعی که در زمینه‌های مختلف با این پدیده‌ها سروکار داشتند، قرار گرفت.

تغییر و تطور پژوهش‌ها و قوانین مرتبط با...، عالی زاد و همکاران | ۱۶۷

ب) قوانین مصوب

در این تحقیق، قوانین و مقرراتی مورد بررسی واقع شده‌اند که تعداد آنها و مرجع تصویب آنها به شرح جدول شماره ۲ است.

جدول ۲- توزیع قوانین به تفکیک مراجع تصویب‌کننده

درصد	فراوانی	مراجع تصویب قوانین، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌ها
۳۱.۷۵	۶۰	قوانین مجلس (شورای اسلامی یا ملی)
۳۰.۶۹	۵۸	هیأت وزیران
۲۳.۸۱	۴۵	قوه قضاییه
۸.۹۹	۱۷	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲.۶۵	۵	شورای انقلاب
۱.۰۶	۲	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱.۰۶	۲	آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۱۰۰	۱۸۹	جمع کل

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، مجلس، هیأت وزیران و قوه قضاییه، بیشترین قوانین را در رابطه با گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی تصویب کرده‌اند. سال‌های تصویب قوانین و آیین‌نامه‌ها نیز به تفکیک در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳- فراوانی و درصد قوانین به تفکیک دهه

درصد	فراوانی	دوره زمانی
۱.۰۶	۲	دهه ۳۰ و قبل
۳.۷	۷	دهه ۴۰
۱۰.۵۸	۲۰	دهه ۵۰
۱۵.۳۴	۲۹	دهه ۶۰
۲۵.۴	۴۸	دهه ۷۰

۳۲.۲۸	۶۱	دهه ۸۰
۱۱.۱۱	۲۱	دهه ۹۰
۰.۵۳	۱	نامشخص
۱۰۰	۱۸۹	کل

در میان اسناد قانونی مورد بررسی، مشخص شد که سهم اندکی از قوانین (حدود ۱۰ درصد) به طور خاص به خود حرفه مددکاری اجتماعی پرداخته‌اند، در حالی که به موضوعات مرتبط به این قلمرو تقریباً به طور گسترده پرداخته شده است. داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در دهه ۴۰ و ۵۰ بیش از دهه‌های کنونی به حرفه مددکاری اجتماعی و فعالیت‌های آن بها داده شده است. اما، اهمیت مطلب در چنین یافته‌ای نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد حیطه موضوعی حرفه و رشته مددکاری اجتماعی است که بیش از ۹۷ درصد قوانین مورد بررسی به این حیطه پرداخته‌اند. جدول شماره ۴ به تفکیک فراوانی توجه به گروه‌های هدف را در قوانین مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۴- دفعات توجه به گروه‌های هدف در قوانین مورد بررسی

گروه‌های هدف	فراوانی	درصد
خانواده	۸۷	۲۳.۸۴
زنان (سرپرست خانوار و زنان عادی)	۴۹	۱۳.۴۲
بزهکاران	۴۴	۱۲.۰۵
کودکان (کار و عادی)	۴۳	۱۱.۷۸
زندانیان	۴۳	۱۱.۷۸
معلولان	۳۰	۸.۲۲
نوجوانان و جوانان	۲۴	۶.۵۸
معتادان	۱۵	۴.۱۱
سالمندان	۱۱	۳.۰۱
سایر	۱۹	۲.۲۱
جمع	۳۶۵	۱۰۰

برای کسب آگاهی بیشتر در این باره جدول شماره ۵ ارائه می‌شود که در آن سیر تغییرات موضوعی قوانین در بستر زمان نشان داده شده است. چنانچه یافته‌ها نشان داد، در قوانین مرتبط با گروه‌های هدف زنان، کودکان، مجرمان و افراد دچار اعتیاد، حضور مددکاری اجتماعی در ارائه خدمات معنادار بوده است. قوانین نقش مددکاری اجتماعی را در ارتباط با خدمات روانی اجتماعی به گروه‌های هدفی چون خانواده‌ها، افراد دچار معلولیت، سالمندان، نوجوانان و جوانان، تقریباً نادیده گرفته است. بنابراین می‌توان به صحنه گذاردن قوانین بر مددکاری اجتماعی در حوزه قضایی، آسیب اجتماعی اعتیاد، زنان و کودکان عمدتاً آسیب‌دیده اشاره کرد ولی مددکاری اجتماعی در حوزه‌های سالمندی، توانبخشی و خانواده هنوز برای قانون‌گذاران حائز اهمیت نشده است.

جدول ۵- دفعات توجه به گروه‌های هدف در بستر زمانی تصویب قوانین

گروه هدف	دهه ۳۰ و قبل		دهه ۴۰		دهه ۵۰		دهه ۶۰		دهه ۷۰		دهه ۸۰		دهه ۹۰		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
خانواده	۰	۰	۳	۰.۹۳	۷	۲.۱۸	۱۷	۵.۳۰	۱۹	۵.۹۲	۲۸	۸.۷۲	۱۳	۴.۰۵	۸۷	۲۷.۱۰
زنان	۰	۰	۱	۰.۳۱	۲	۰.۶۲	۸	۲.۴۹	۱۶	۴.۹۸	۱۷	۵.۳۰	۵	۱.۵۶	۴۹	۱۵.۲۶
کودکان	۰	۰	۳	۰.۹۳	۵	۱.۵۶	۵	۱.۵۶	۱۰	۳.۱۲	۱۴	۴.۳۶	۶	۱.۸۷	۴۳	۱۳.۴۰
مجرمان	۰	۰	۰	۰	۳	۰.۹۳	۳	۰.۹۳	۱۶	۴.۹۸	۱۸	۵.۶۱	۳	۰.۹۳	۴۳	۱۳.۴۰
معلولان	۰	۰	۱	۰.۳۱	۶	۱.۸۷	۵	۱.۵۶	۵	۱.۵۶	۱۱	۳.۴۳	۲	۰.۶۲	۳۰	۹.۳۵
جوانان و نوجوانان	۰	۰	۱	۰.۳۱	۱	۰.۳۱	۷	۲.۱۸	۶	۱.۸۷	۸	۲.۴۹	۱	۰.۳۱	۲۴	۷.۴۸
معتادان	۰	۰	۱	۰.۳۱	۴	۱.۲۵	۱	۰.۳۱	۰	۰	۴	۱.۲۵	۵	۱.۵۶	۱۵	۴.۶۷
سالمندان	۰	۰	۰	۰	۲	۰.۶۲	۰	۰	۴	۱.۲۵	۴	۱.۲۵	۱	۰.۳۱	۱۱	۳.۴۳
سایر (محرمان)	۰	۰	۱	۰.۳۱	۲	۰.۶۲	۳	۰.۹۳	۴	۱.۲۵	۸	۲.۴۹	۱	۰.۳۱	۱۹	۵.۹۲
جمع	۰	۰	۱۱	۳.۴۳	۳۲	۹.۹۷	۴۹	۱۵.۲۶	۸۰	۲۴.۹۲	۱۱۲	۳۴.۸۹	۳۷	۱۱.۵۳	۳۲۱	۱۰۰

حال باید مشخص شود که در قوانین مورد بررسی، نیازهای مرتبط با گروه‌های هدف به کدام موارد تقسیم شده‌اند. جدول شماره ۶ برای این منظور تعبیه شده است.

جدول ۶- تفکیک نیازها و فراوانی پرداختن به آنها در قوانین مصوب

انواع نیازها	فراوانی	درصد
نیازهای حقوقی	۷۸	۳۳.۹۱
نیازهای بهداشتی-درمانی	۳۷	۱۶.۰۹
نیازهای مالی	۳۶	۱۵.۶۵
نیاز به مسکن	۲۹	۱۲.۶۱
نیاز شغلی	۲۸	۱۲.۱۷
نیاز به ازدواج	۱۳	۵.۶۵
نیاز به اقامت و نگهداری	۹	۳.۹۱
جمع	۲۳۰	۱۰۰

بر اساس داده‌های این جدول، قانون‌گذار در قلمرو نیازها بیشتر به نیازهای حقوقی توجه داشته است. نیازهای بهداشتی-درمانی، مالی، مسکن، شغل، ازدواج و اقامت به ترتیب در مراتب بعدی مورد توجه واقع شده‌اند. چنین رخدادی در حالی به وقوع می‌پیوندد که گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی، به دلیل دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی، ترکیبی از نیازهای مالی، بهداشتی، درمانی، اقامتی و ... دارند، اما سهم این نوع نیازها در قوانین بسیار کمتر از نیازهای حقوقی شده است.

نتیجه‌گیری

امروزه بیش از هر زمان دیگری لازم است که محققان رشته مددکاری اجتماعی در دنیای بحران‌زده و پرتلاطم کنونی، به جایگاه پراهمیت علمی و حرفه‌ای خود واقف شوند و بدانند که در ارتباط با مسئولیت‌ها، اخلاق و وظایف حرفه‌ای خود می‌بایست چه اقداماتی به

عمل آورند. آنان همواره باید این پرسش‌ها را در نظر داشته باشند که آیا اساساً، اقدامات آنها در راستای مسئولیت اجتماعی و تعهد حرفه‌ای شکل گرفته است؟ سمت و سوی فعالیت‌هایشان در عرصه‌های مختلف و با مسائلی که به سرعت تغییر می‌کنند، چگونه بوده و باید باشد و متضمن چه اقدامات زیربنایی است؟ چگونه از نظریات و الگوهای متنوع در تحقیقات و عمل حرفه‌ای که نوعی رویکرد حل مسئله است، بهره ببرند؟ آیا کاربرد این نظریات و الگوها اساساً در راستای نیازها و مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زمانه است؟ آیا در پاسخ‌دهی، زمینه و شرایط اجتماعی مدنظر قرار گرفته است؟ آیا در امر آموزش و تربیت دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی، نیاز به تغییرات جدی در سرفصل دروس همگام با تغییرات اجتماعی اقتصادی جامعه احساس می‌شود؟ آیا لازم است که تغییرات پیش آمده در حیطه قوانین مورد بررسی قرار گیرند؟ آیا ضرورت دارد که ملاحظات حقوقی مرتبط با مسائل و موضوعات مرتبط با حرفه مددکاری اجتماعی و اولویت‌های آن عرصه شناخته شود؟

مسلم است که وقوف به این موارد به تنهایی برای مددکاران اجتماعی دارای ارزش و فایده نیست بلکه برای توسعه حرفه مددکاری اجتماعی، ارتقاء کیفیت سرمایه انسانی و خدمات اجتماعی، بهبود عملکرد مؤسسات و سازمان‌های خدمات اجتماعی و همچنین، برای گروه‌های هدف و مراجعان بیشترین منافع را در پی دارد.

در این پژوهش تلاش شد تا بررسی نسبتاً جامعی از تحقیقات دانشگاهی انجام شده در رشته مددکاری اجتماعی و همچنین قوانین مصوب مرتبط با این حرفه در طی نیم قرن اخیر صورت پذیرد و فراز و فرودهای هر دو عرصه بررسی گردد. مشخص گردید که فراز و فرودهای جامعه زمینه‌ساز اولویت‌بندی موضوعات هم در عرصه تحقیقات دانشگاهی و هم در عرصه قانون‌گذاری شده است. در پاسخ به پرسش نخست پژوهش مشخص شد که در هر دهه به اقتضای شرایط اجتماعی خاص خود، کدام قلمروهای موضوعی اهمیت یافتند و مشخص گردید که در توالی زمانی، گستره موضوعات در دو عرصه مذکور افزایش یافته است.

در این میان و در مواجهه با پرسش دوم تحقیق، بر اساس واقعیت‌های موجود دریافتیم که عرصه پژوهش در رشته مددکاری اجتماعی با برخی کاستی‌های دانشی و روش‌شناختی مواجه است و ضرورت دارد که اجتماع علمی مربوطه در جهت رفع آنها اقداماتی به انجام رسانند. برای این منظور، لازم است که بیش از گذشته به مطالعاتی روی آورد که هدفشان آسیب‌شناسی و نقد پژوهش‌های موجود در رشته مددکاری اجتماعی است. از رهگذر چنین تحقیقاتی است که امکان بازاندیشی در موضوعات و نحوه انجام پژوهش‌ها فراهم می‌شود، همان‌گونه که گوشه‌ای از این کار در مطالعه حاضر نمایان شده است.

افزون بر این موارد، در پاسخ به پرسش‌های سوم و چهارم این تحقیق مشخص شد که میان حیطه پژوهش دانشگاهی و عرصه قانون‌گذاری همگرایی‌ها و واگرایی‌هایی به‌صورت توأمان وجود دارد و نیازمند هم‌افزایی بیشتر است. بررسی مجموع موارد مطروحه در بخش قانون‌گذاری و پیوند تقویمی آن با بخش تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که رابطه‌ای دوسویه میان نهاد قانون‌گذار و نهاد آموزش عالی برقرار است. بدین معنی که رشد و توسعه تحقیقات دانشگاهی در رشته مددکاری اجتماعی زمینه‌ساز توجه قانون‌گذار به حیطه‌های مددکاری شده و عنایت نهاد قانون‌گذار به قلمروهای خاص نیز شرایطی را فراهم ساخته تا سمت‌وسوی تحقیقات در رشته مددکاری اجتماعی دستخوش تغییر شود. با این ملاحظه که چنین جریان و رابطه‌ای همواره در مسیر همگن و یکنواخت قرار نداشته است.

مقایسه دو حیطه مورد بررسی در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد که این رابطه با فراز و فرودهایی روبرو بوده و همسویی و ناهمسویی‌هایی رخ داده است. برای مثال، در دهه ۷۰، با رشد فعالیت علمی رشته مددکاری اجتماعی در دانشگاه‌ها، قوای مقننه و مجریه به‌صورت قابل توجهی در قوانین و آیین‌نامه‌ها به استفاده از پتانسیل‌های مددکاران اجتماعی توجه نموده‌اند و این توجه در دهه ۸۰ افت کرده و در دهه ۹۰ به اوج خود یعنی ۳۰ درصد قوانین رسیده است. در واقع، مددکاری اجتماعی به‌عنوان حرفه‌ای که پیوندی نزدیک با گروه‌های هدف آسیب‌دیده و یا در معرض آسیب دارد، از یکسو تحت تأثیر نوع نگاه و توجه

تغییر و تطور پژوهش‌ها و قوانین مرتبط با...، عالی زاد و همکاران | ۱۷۳

قانون‌گذار به این گروه‌ها قرار دارد و از سوی دیگر، زمینه‌ساز و هدایتگر عرصه قانون‌گذاری در ارتباط با گروه‌های هدفش بوده است.

در راستای تحقق چنین اموری و رفع کاستی‌های موجود و همچنین همسو با نقدهای مطرح‌شده در طول این مقاله، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات مددکاری اجتماعی، پدیده مورد مطالعه بدون ارتباط با زمینه اجتماعی بررسی نشود. اولویت‌های پژوهشی مبتنی بر اقتضائات اجتماعی تعیین شود. بر پایه ویژگی‌های عام فرهنگی، دستاوردهای پژوهشی ارزشمندی که در دیگر نقاط دنیا به ثمر می‌رسند مورد توجه واقع شود. از مواجهات یک‌سویه روشی پرهیز شود. نسبت به شناسایی موضوعات جدید که حاصل تغییرات سریع اجتماعی است اهتمام ورزیده شود. فرایندها و مواد آموزشی رشته مددکاری اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی همسو با آخرین دستاوردهای بینشی و روشی این رشته اصلاح شوند تا امکان تربیت و پرورش محققان روزآمد و کارآمد مهیا گردد. زمینه تعامل بیشتر میان دو نهاد علم و قانون فراهم آید تا هم‌افزایی بین نهادی شکل گرفته و زمینه ارائه خدمات مفیدتر و کارآمدتر در جهت رفع کاستی‌ها و افزایش توانمندی‌ها فراهم آید.

منابع

- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۵)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۹۷)، *مبانی مددکاری اجتماعی (ویراست دوم)*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۷)، «معیاری بر شناسایی آسیب‌ها با تأکید بر آسیب‌شناسی آینده مسائل اجتماعی»، *دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳: ۱-۲۸.
- کامپتون، بیولا رابرتز و گالاولی، بارت. (۱۳۸۲)، *فرآیندهای مددکاری اجتماعی*، ترجمه: سید جلال صدرالسادات و فرهاد کریمی، جلد اول، تهران: سمت.
- گلشنی، علیرضا و قائدی، محمدرضا. (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۷، شماره ۳۷: ۵۶-۸۷.
- موسوی، مهری‌سادات، ملکی، سمیه و طاهریان، سعید. (۲۰۱۹)، *تأملی مفهومی بر مسئله اجتماعی*.
2nd National Conference on Social Harms 2019:
<http://repository.uma.ac.ir/id/eprint/10964>
- میلز، سی‌رایت. (۱۳۸۱)، *بیش جامعه‌شناختی*، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سهامی انتشار.
- نبوی، حمید و امینی، مصطفی. (۱۳۸۹)، «سیاست‌های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸: ۲۶۹-۲۹۱.
- وبر، ماکس. (۱۳۹۷)، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: مرکز.
- هولستی، آل آر (۱۳۹۸)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- Braye, Suzy & Preston-Shoot, Michael. (2006). "The role of law in welfare reform: critical perspectives on the relationship between law and social work practice". *International journal of social welfare*, 15: 19-26
- Bueno, Ana Marcela. (2010). *La intervención profesional como objeto de conocimiento del trabajo social*, <https://ciencia.lasalle.edu.co/cgi/viewcontent>.
- Gutierrez, LM; Parsons, R.J; Cox, E.O. (1998). *Empowerment in social work practice. A source book*. Eric publication.
- Riquelme, Javier Ferrer & Xavier Montagud Mayor. (2016). *Trabajo Social Y Complejidad: Los "Wicked Pronblems": IX Congreso Nacional de Facultades de Trabajo Social: Jaen Volumen: I*